

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان:
Phenomenology of Garden in Assyrian
Documents and Reliefs; Concepts and Types
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

پدیدارشناسی باغ در آثار و نقش برجسته‌های آشوری؛ مفاهیم و گونه‌ها

علی اسدپور^۱

۱. دکتری معماری، استادیار دانشگاه هنر شیراز، فارس، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۸/۲۰ تاریخ اصلاح: ۹۶/۱۰/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۱/۲۱ تاریخ انتشار: ۹۷/۰۳/۰۱

چکیده

بیان مسئله: نقش برجسته‌های آشوری به‌ویژه آشور نو علاوه بر «روایتگری تاریخی»، سنتی دیرپا در «بازنمایی محیط طبیعی» دارند. از سوی دیگر، هستی‌شناسی دوقطبی آشوری مبتنی بر دوگانه‌های «مرکز/پیرامون» و «نظم/ آشوب» در شیوه مواجهه آنان در منظر طبیعی تأثیرگذار بوده و درک زیبایی‌شناسی آنان را نیز شکل داده است. باین‌حال، نقش این موارد در شکل‌دهی به انواع باغ به‌مثابه طبیعت سوم، موضوع مهمی در اسناد و نقش برجسته‌های آشوری است که کمتر به‌عنوان پژوهشی مستقل مورد توجه بوده و مدلی از آن عرضه نشده است.

هدف: هدف این نوشتار شناسایی مؤلفه‌های کلیدی مؤثر بر شکل‌گیری انواع باغ‌ها نزد آشوریان نو و گونه‌شناسی و مدل‌سازی نگاه آنان نسبت به باغ و کارکردهای گوناگون آن مبتنی بر تحلیل متون پژوهشی و نقش برجسته‌های برجای‌مانده است.

روش پژوهش: این پژوهش از روش کیفی در رویکردی انتقادی و استنتاجی و با خوانشی تأویلی به پدیدارشناسی باغ در نقوش آشور نو می‌پردازد. از «همسوسازی داده‌ها» برای دستیابی به اشباع نظری بهره برده شده است. **نتیجه‌گیری:** نتایج حاصل نشان می‌دهند که باغ‌ها نزد آشوریان تجلی «جهان صغیر» هستند و طیفی از کارکردهای تفریحی-نمایشی تا آیینی-تشریفاتی و حتی بوم‌شناختی و اقتصادی را در بر می‌گیرند. گونه‌شناسی پیشنهادشده در این نوشتار مبنی بر مکان-کارکرد (الف) باغ‌ها و پارک‌های منظر درون‌شهری و (ب) باغ‌ها و پارک‌های منظر حاشیه شهری و مدل مفهومی تنظیم‌شده، نشان می‌دهند که با دور شدن از مرکز شهر و با کاهش ارزش آیینی و مذهبی آنها، طراحی هندسی و منظم به سمت نگرش آزادانه (طبیعی) مبتنی بر «برنامه‌ریزی منظر» تغییر می‌یابد. تغییر در پارادایم طراحی باغ مبتنی بر دگرگونی در واژه باغ از «کیرو» به «کیریماهو» یعنی جان‌شینی باغ‌های نمایشی (تفریح و لذت) بجای باغ‌های کارکردی (گیاه‌شناسی) در زمان سارگون دوم (اواخر قرن ۸ ق.م) روی می‌دهد و این دوران سرآغاز دوران طلایی در باغ‌سازی آشوری است که از آن به بعد عناصر نمایشی همچون دریاچه‌های مصنوعی، بیتانو و آکواداکت‌ها به باغ‌ها افزوده شدند و باغ‌های معلق و مطابق رونق یافتند.

واژگان کلیدی: گونه‌شناسی، باغ آشوری، نقش برجسته، بیتانو، شکار.

* نویسنده مسئول asadpour@shirazartu.ac.ir

۰۹۱۷۳۰۶۱۸۲۸

مقدمه و بیان مسئله

از مهم‌ترین و البته کمتر پرداخته‌شده‌ترین مباحث در اندیشه آشوریان همانا بازنمایی باغ در هنر آشوری است. جنبه نوآورانه پژوهش کنونی پیوندی است که میان هستی‌شناسی و درک آشوریان از جهان با خوانش منظر (طبیعت اول) و بازنمایی^۱ و خلق مجدد^۲ آن به صورت زمین‌های کشت‌شده (طبیعت دوم) و باغ (طبیعت سوم) دارد. این نگاه تازه معرف مدلی مفهومی است که مبتنی بر پارادایم «جغرافیای فرهنگی» به خوانش و تفسیر تأویلی نقوش برجسته آشوری با تأکید بر آشور نو می‌پردازد. هدف این نوشتار شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری انواع باغ‌ها نزد آشوریان نو و گونه‌شناسی نگاه آنان نسبت به آن و کارکردهای گوناگون باغ مبتنی بر تحلیل متون و بررسی نقش برجسته‌های برجای‌مانده است. بر این اساس پرسش‌های کلیدی پژوهش به شرح زیر هستند: الف) پدیده باغ نزد آشوریان معرف چه موضوعات و مضامینی بوده است؟ ب) گونه‌شناسی باغ در اندیشه آشوری چیست و چه پیوندی میان هستی‌شناسی آنان و ماهیت باغ‌ها وجود دارد؟ و ج) شیوه‌های بازنمایی باغ در نقش‌برجسته‌های آشوری چگونه است؟

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در ۱۵۰ سال اخیر پیرامون آشوریان انجام شده است. این پژوهش‌ها شامل مطالعاتی درباره جغرافیای آشور (Reade, 1978a, 1978b) بازشناسی شهرها در نقش‌برجسته‌های نینوا، خورساباد و نمرود (Jacoby, 1991)، کتیبه‌ها و مضمون آنها در کاخ‌ها (Russell, 1998; Gerardi, 1988) و مطالعاتی در خصوص هنر و منسوجات آشوری (Collins, 2009; Dalley, 1991) هستند. مقالاتی نیز راجع به باغ آشوری و نویافته‌های باستان‌شناختی باغ‌های آشوری عراق به رشته تحریر درآمده‌اند؛ به‌عنوان نمونه، آلبندا (۱۹۷۴) در مقاله‌ای به تاکستان‌ها در باغ‌های آشوربانی‌پال و شیوه‌های پرورش انگور در روزگار آشور پرداخته است (Albenda, 1974). دالی (۱۹۹۴) نیز در پژوهشی تحلیلی کوشیده است تا با استفاده از مستندات تاریخی نوشتاری و تفسیرهای نظری به راز باغ‌های معلق نینوا و تمایز آنها با بابل فائق آید (Dalley, 1994) چنین تلاشی نیز از سوی فاستر (۲۰۰۴) برای فهم باغ‌های معلق نینوا انجام شده است (Foster, 2004). تازه‌ترین پژوهش در این میان مطالعات آمرهایم (۲۰۱۵) است که باغ‌های آشور نورا مبتنی بر منطقی طیف گونه شامل صناعت، قداست و دسترس‌پذیری بازخوانی کرده است (Amrhein, 2015). باین حال مقاله حاضر مبنای خوانش خود را بر هستی‌شناسی و پدیدارشناسی باغ آشوری قرار داده است که موضوعی نوآورانه است.

روش پژوهش

این پژوهش از روش کیفی در رویکردی انتقادی و استنتاجی و خوانشی تأویلی بهره می‌برد. داده‌های ابتدایی از منابع مکتوب و منتشرشده گردآمده‌اند و نظریات گوناگون پیرامون موضوع محوری پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته‌اند تا درکی جامع از موضوع حاصل آید. از «همسوسازی داده‌ها»^۳ برای دستیابی به اشباع نظری بهره برده شده است. درنهایت یافته‌ها به صورت مدلی مفهومی ارائه شده است تا «روایت» باغ آشوری ممکن شود.

مبانی نظری پژوهش

هستی‌شناسی آشوری و دوگانگی‌های بنیادین آن

اندیشه آشوری جهانی دوگانه را توصیف می‌کند؛ جهانی که بین «ایزدان»^۴ و «امور غیرمذهبی دنیوی»^۵ تقسیم‌شده‌اند. خدای آشور، زمین بود و در مفهومی وسیع‌تر همه گیاهان، جانوران و انسان‌های «ساکن شده بر/ در زمین» دانسته می‌شد. پادشاه، سلطه آشور را بر تمام جهان به‌واسطه «یکپارچه‌سازی قلمرو در سرزمین آشور» و «افزایش تنوع مردم، گیاهان و جانداران و منابع طبیعی تحت قدرت آشور»، اعمال می‌کرد. «تنوع»، بازتابی از قدرت و تسلط آشور بر همه‌چیز شمرده می‌شد (Hunt, 2015: 23-25). از این‌رو هر باغ آشوری به‌خودی‌خود تجلی‌گر تمدنی بود که آکنده از حضور ملکوتی و آسمانی تلقی می‌شد (Amrhein, 2015: 3). دیگر دوگانگی موجود در اندیشه آشوری ریشه در باورهای باستانی نسبت به «نظم» و «بی‌نظمی» در هستی دارد. این دو مفهوم متضاد، زوج‌های متضاد دیگری نیز می‌آفرینند که به‌نوعی مصداق‌هایی برای آن باور محسوب می‌شدند. اندیشه‌های باستانی از تضاد حاکم بر دو مفهوم «مرکز»^۶ و «پیرامون»^۷ آگاه بودند. کشاورزی یا «زیر کشت بردن سرزمین وحشی» در واقع تلاشی برای اهلی کردن نقطه مقابل خود یعنی پیرامون بود و بدین‌سان «شکار» و «جنگاوری» که به لحاظ مفهومی با یکدیگر پیوند داشتند در تلاش برای تحت تأثیر قرار دادن مرکز و اهلی کردن طبیعت و جهان وحشی تلقی می‌شدند (Dick, 2006: 243). نزاع دائمی آشوریان در برابر دست‌درازی «آشوب»^۸ بر نوعی دوقطبی اکولوژیکی بین سرزمین‌های مرکزی آشوریان و نواحی پیرامونی تأکید دارد (Amrhein, 2015: 3). در هستی‌شناسی آنان (تصویر ۱)، شهر (alū) در مرکز جهان قرار داشت و «پشته‌های مقدس»، «طبیعت وحشی» و «کوه‌ها»، جهان پیرامونی (serū) را می‌ساختند. طبقات سه‌گانه «تحتانی، میانی و فوقانی بهشت» در بالا و «زمین میانی» و «جهان تحتانی» لایه‌های فروتر بودند (Dick, 2006: 244). این ایده از مفهوم سنتی بین‌النهرینی نشأت می‌گرفت

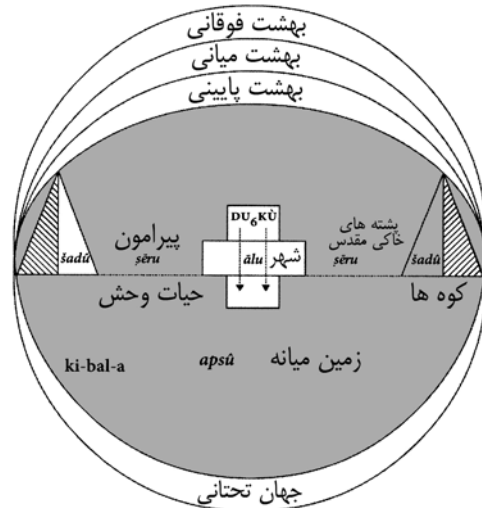
از زمان سارگون دوم به بعد است که توجه از «کارکرد باغ» به سمت «لذت و تفریح» تغییر جهت می‌دهد و این کار با جاننشینی واژه کیریماهو به جای کپرو روی می‌دهد (Op-penheim, 1965: 328, 329).

دیگر اصطلاح مرسوم در باغ‌های آشوری، «بیتانو»^{۱۳} به معنی پاپیون، کیوسک یا خانه تابستانی است که با واژه‌های هم‌آوا ولی متفاوت با آن به معنی «بخش درونی» متفاوت است. این واژه آکدی به «خانه» نیز برگردان شده است و هنگامی که در نوشته‌های اسرحدون (۶۸۱-۶۶۹ ق.م) ظاهر شد با واژه «بیتان»^{۱۴} مرتبط شد و برگردان «قصر» برای آن نیز پذیرفته شد. با این حال استعمال آن برای نامیدن ساختمانی ویژه به روزگار سناخریب و اسرحدون بازمی‌گردد؛ سناخریب در نینوا برای پسر خود آشور نادین‌سومی و در شهر آشور، بیتانوهایی ساخت که درواقع «قصر کوچکی» بودند. این موضوع در کتیبه‌ای آجری و دو تخته‌سنگ توصیف شده است. تغییر در نقش باغ در روزگار سارگون دوم به بعد زمینه را برای شکل‌گیری مفهوم بیتانو فراهم آورد و آن را به جزیبی ناگسستی از باغ‌های سلطنتی بدل کرد (تصویر ۲). این سنت به دست اسرحدون ادامه یافت و با ساخت پاپیونی به ابعاد ۴۸ در ۱۶ مترمربع گونه‌ای منحصر به فرد و بزرگ-آن‌چنان که خود نیز بدان اشاره دارد- برپا کرد (Oppenheim, 1965; Wiseman, 1983). بیتانو درواقع از عنصری معمارانه از غرب تمدن آشور (سوری-هیتی) به نام «بیت هیلانی»^{۱۵} (به معنی تالار ستون‌دار) (Oppenheim, 1965: 328) وام گرفته شده بود که در ابتدا در قصرهای سارگون دوم، ناظر بر باغ‌ها طراحی می‌شد (Amrhein, 2015: 3). بیت هیلانی درواقع «منظر بیرونی را به فضای داخلی قصر» پیوند می‌داد (Thomason, 2016: 253). حرفه باغبان (نوکاریبو)^{۱۶} نیز در همه زمان‌ها مورد اشاره متون آشوری بوده است؛ باغبان‌ها برخی مواقع از پادشاه جیره دریافت می‌کردند و شامل زنان و حتی افراد نابینا نیز می‌شدند (Wiseman, 1983: 143).

کهن‌الگوها در باغ‌سازی آشوری

منابع نوشتاری و تصویری برجای مانده از روزگار آشور نو نشان می‌دهند که منظر طبیعی شمال سوریه در نگاه آشوریان آن‌چنان وحشی، غنی و متنوع و در نتیجه دوست‌داشتنی بوده که بازنمایی آن توسط پادشاهان به وسیله خلق دوباره غنای گیاهی و جانوری آن در سرزمین اصلی آشوریان را در پی داشته است. این کار تنها تقلید بصری صرف نبود بلکه تلفیقی داستان‌پردازانه و تخیلی بود که نشان می‌داد چگونه چنین زمین‌های متنوع و حاصلخیزی می‌توانند هم شامل قلمروی سلطنتی در دوردست‌ها باشند و هم بازتولید

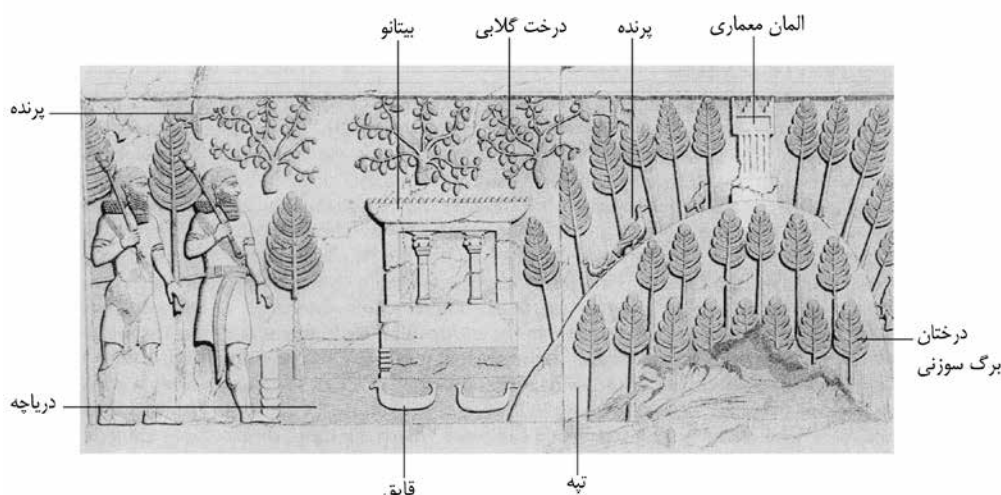
که سلسله مراتبی عمودی و جهانی دوقطبی داشت که در آن زمین ساکن شده به دست انسان نقش جداکننده بهشت و دنیای مردگان زیرزمین^{۱۷} را از یکدیگر ایفا می‌کرد (Carolyn, 2004: 15)؛ (تصویر ۱).



تصویر ۱. مدل هستی‌شناسی دوقطبی آشوری. مأخذ: Dick, 2006: 244.

واژه‌شناسی باغ و اجزای آن نزد آشوریان

اصطلاح «کیریماهو»^{۱۸} به معنی «باغ»، نخستین بار توسط سارگون دوم و به معنی «باغ تفریحی»^{۱۹} استفاده شد که پیوندی ناگسستی با قصر داشت. این واژه درواقع در نقطه مقابل واژه اولیه و سنتی «کپرو»^{۲۰} به معنی باغ گیاه‌شناسی قرار داشت که در بیرون از حصار شهرهای اصلی واقع بود (Wiseman, 1983: 137). این تغییر در واژگان نتیجه تغییر «مقیاس» و «دگرگونی در نگاه» است که از ابعاد، کارکرد و طرح تازه باغ ناشی شده است. سارگون دوم و پسر او سناخریب تغییری از «اهداف کارکردی» به «نیات نمایشی» در باغ آشوری ایجاد کردند (Amrhein, 2015: 3). واژه کیریماهو (باغ بزرگ/عظیم) از زبان سومری وام گرفته شده و به‌عنوان نام بخشی از شهر اوروک پیش‌تر دیده شده بود (Amrhein, 2015; Wiseman, 1983). باغ‌های پیش از سارگون فاقد سبک مشخصی در کرت‌بندی هستند و پس‌ازاین دوران است که باغ‌ها به‌طور صریح و آشکاری به معابد یا قصرها گره خوردند و مبتنی بر وضوح، سایه، رایحه خوش و مانند آن به‌عنوان «فخر شهر» برپا شدند (Amrhein, 2015: 3). به‌عبارت‌دیگر واژه عاریتی کیریماهو در روزگار سارگون دوم بیانگر شیوه جدیدی در طرح باغ‌های سلطنتی بود که در کنار یا در درون سکونت‌گاه‌های سلطنتی ساخته می‌شدند. هرچند شواهدی از توجه به باغبانی و باغ‌سازی از تیگلت‌پیلسر اول برای گردآوری گیاهان و جانوران خارجی دیده می‌شود اما



تصویر ۲. باغ سارگون دوم در دورشروکین (خورساباد)؛ دریاچه مصنوعی با قایق‌ها، بیتانو و تپه‌ای در سمت راست با درختان برگ‌سوزنی. مأخذ: Dalley, 1993: 5.

سرزمین آشور رشد می‌کردند. «درخت مقدس» در آشور نو نیز ترکیبی از آذین‌های برگ نخل و گهگاه انار یا انگور بود که به نمادی از زنانگی یا زایش و باروری سرزمین آشور بدل شد (Collins, 2006). درختان سیب و ازگیل، بادام و به نیز در باغستان‌ها و انواع آبنوس، زیتون، گز، گردوی قهوه‌ای، بنه، زبان‌گنجشک، صنوبر، انار، گلابی و انجیر در باغ‌ها کاشته می‌شدند (Dalley, 1993: 4). گل‌ها و بوته‌ها نیز سهم مهمی در باغ‌های آشوری داشته‌اند، هرچند اشاره کمتری در متون بدان شده است (تصویر ۳). در نقش برجسته «ضیافت باغ» از آشور بانی‌پال گل‌های درشت آفتابگردان و سوسن شیپوری (که در باغ‌های روزگار او بسیار مرسوم بوده است) و همچنین درختان کاج، انار و درختان میوه پرشاخ و برگ دیده می‌شوند. بوته‌های کم ارتفاع پهن‌برگ با ساقه‌هایی حامل گل‌های دانه‌دار (احتمالاً مهرگیاه از ریشه مدیترانه‌ای) نیز نقش شده‌اند که احتمالاً از نبردهای مصر آورده شده بودند. گیاهان آبی همچون سوسن آبی در دریاچه‌ها و گل‌های بالارونده که به ترتیب بومی مصر و سرزمین‌های مرتفع آشور هستند، نیز دیده می‌شوند (Albenda, 1976: 214). در باغ‌های سلطنتی گیاهان پنبه هم کاشته می‌شدند و بخشی‌هایی نیز برای کاشت سبزی‌ها و گیاهان دارویی (به استناد شواهدی از قرن ۹ ق.م) وجود داشته است

آن در خانه را به همراه داشته باشند و بدین‌سان معرف «جهان صغیری»^{۱۷} تلقی شوند (Thomason, 2001: 65) که پادشاه بر آن سلطه داشت. «رشته‌کوه‌های آمانوس»^{۱۸} در سوریه و خاور نزدیک دیگر الگوی باغ‌سازی آشوریان است که ویژگی‌های آن اغلب توسط کاتبان آشوری نقل شده است (Amrhein, 2015: 3,4). کوه آمانوس به سبب ارتفاع خیره‌کننده، حیوانات وحشی متنوع و جنگل‌های متراکم در دامنه‌هایش جذاب بودند. این توجه به منظر سوری در نیمه دوم پادشاهی آشوری و با ساخت باغ‌های سلطنتی در زمان سارگون دوم به اوج خود رسید که در نوشته‌های وی ساخت باغ‌ها با نمونه‌برداری از کوه آمانوس - که در آن تمام گیاهان خوشبوی و درختان میوه کوهی کاشته شده بودند - ذکر شده است (Thomason, 2001: 66,67).

درختان، گیاهان و نظام آبرسانی

حضور انگور که به درختان دیگری به‌مثابه پایه وابسته است، الزامی کلیدی برای منظره باغ‌های بزرگ بود که پیش‌زمینه‌ای پیوسته را در منظره ایجاد می‌کرد (Albenda, 1974: 6). درختان خانواده برگ‌سوزنی‌ها مانند کاج، کاج سپید، سرو یا صنوبر و درختان نخل خرما دیگر درختان مورد اشاره در باغ‌ها هستند. درختان مخروطی همچون کاج و سرو به‌سرعت در



تصویر ۳. نقش برجسته‌ای از آشور بانی‌پال که جزئیات کم‌نظیری از گل‌ها را در پارک شکار نمایش می‌دهد. مأخذ: Trustees of the British Museum.

محصور داخلی قصرها، باغ‌های معلق، باغ‌های معابد و پارک‌های درون‌شهری (باغ‌های تقلیدی از منظرهای بیگانه) هستند.

● **حیاط‌ها و باغ‌های سلطنتی قصرها**

پورتر^{۲۱} (۱۹۹۳) بر این باور است که تمایز قائل شدن میان باغ‌های سلطنتی و باغ‌های آیینی کار بی‌فایده‌ای است (Amrhein, 2015: 7) چراکه تفکیک آیین مذهبی و زندگی غیردینی در فرهنگ باستان جایگاهی ندارد و رفتار سیاسی و رفتار مذهبی در واقع یکی هستند (Melville, 2016: 219). با این حال باغ‌های سلطنتی به‌طور ممتازی طیفی از خصوصی‌ترین گونه باغ‌ها در آشور را دربردارنده که با باغ‌های مرتبط با معابد به‌کل متفاوت هستند. قصرهای آشوریان نو، هندسی و راست‌گوشه هستند و وجود حیاط‌های متعدد در میان فضاهای بسته نه‌تنها بهترین مکان را برای «لذت، در امان ماندن از شر خوک‌های غارت‌گر، بچه‌های شرور و دزد، بزهای چرنده و شلوغی شهر» (Dalley, 1993: 2) فراهم می‌آورد بلکه یکی از ویژگی‌های قصر محسوب می‌شدند. مقبره ملکه‌های آشوری در قرن ۹ و ۸ ق.م در شهر نمرود با تمام اشیاء تجملی آنها در زیر سنگ‌فرش حیاطی در قصر شمال غربی کشف شده که سندی از کارکرد باغ-حیاط‌های قصرها به‌مثابه «باغ یادبود» به شمار می‌آید. علاوه‌براین این باغ‌ها مکانی برای «پیک‌نیک، عشق‌بازی، نمایش غنائم نظامی و ستایش زیبایی طبیعت» (Ibid: 3) نیز بوده‌اند.

● **باغ‌های معابد درون‌شهری**

اسناد باستان‌شناسی نشان داده‌اند که حیاط معابد همچون قصرها به باغ اختصاص داشته‌اند (Wiseman, 1983: 138). چیدمان منظم درختان در باغ-معابد درون‌شهری به تبعیت از نظم آیینی و همچنین با دسترسی معدودی از مقامات عالی‌رتبه درباری و مذهبی طراحی می‌شدند. تفاوت چشمگیری میان درختان موجود در معابد با دیگر گونه‌های درختی کاشته شده در قصرها گزارش نشده است. با این حال به نظر می‌رسد این باغ‌ها ابعاد چندان بزرگی نداشته باشند.

● **باغ‌های معلق و مطبق**

باغ‌های معلق نینوا (تصویر ۴) با آنچه تصور می‌شود به شکل زیگورات در بابل ساخته شده‌اند، متفاوت هستند. در واقع یکی دانستن این دو نتیجه خلط مبحثی است که از کار لئونارد وولی^{۲۲} راجع به «باغ‌های زیگوراتی» در اذهان عمومی ایجاد شده است. استیونسون (۱۹۹۲) در پژوهشی ساختار هندسی و فناوری آبیاری باغ معلق زیگورات شکلی را در بابل بازساخته است (Stevenson, 1992). ولی، دالی (۱۹۹۳) معتقد است که این اشتباه ناشی از ترجمه واژه یونانی معلق^{۲۳} به انگلیسی است؛ در واقع مفهوم واژه یونانی، سطوح شیب‌دار

(Wiseman, 1983: 138, 142): (تصویر ۳).

سامانه آبرسانی به شهر، باغ‌ها و باغستان‌ها از دو منبع کلیدی بهره می‌بردند؛ نخست آب رودخانه‌ها (دجله و فرات و انشعابات آن) و دیگری آب گوارای کوهستان. آب رودخانه از طریق حفر کانال یا آبراهه و آب کوهستان از راه آکواداکت^{۱۹} (ابگذر هوایی) منتقل می‌شد. لوحه‌ای سنگی ماجرای مهندسی آشور نصیرپال دوم در انتقال آب کوهستان به باغ شخصی‌اش در نمرود را شرح داده است. سناخریب نیز به اقدامات عمرانی اشاره دارد در انتقال آب از کوهستان به شهر نینوا برای آشامیدن و آبیاری باغی که برپا کرده بود. این باغ‌ها احتمالاً همان‌هایی هستند که ۵۰ سال بعد در زمان بالیدن کاملشان در نقوش برجسته آشور بانی‌پال دیده می‌شوند (Dalley, 1994: 50). سارگون نیز آب کوهستان را با استفاده از آکواداکت به باغ‌ها و پارک‌های تازه‌اش در قصر باین^{۲۰} در نینوا انتقال داد (Dalley, 1993: 5). آشور نصیرپال دوم در کالج از مسیرهای آبی که از بالای باغ به پایین آن جاری بودند و از «آبشارهایی همچون ستارگان بهشتی» یاد می‌کند (Wiseman, 1983: 142). استفاده از سامانه پیچی شکل ارشمیدسی، ابداع نوآورانه‌ای برای انتقال آب در مقیاس کوچک‌تر و به ترازوی بالاتر بود که به دست سناخریب برای آبیاری باغ انجام شد. همچنین ساخت دریاچه‌های مصنوعی نیز از دیگر انواع نمایش آب در باغ‌ها و پارک‌های بزرگ بوده است.

یافته‌های پژوهش

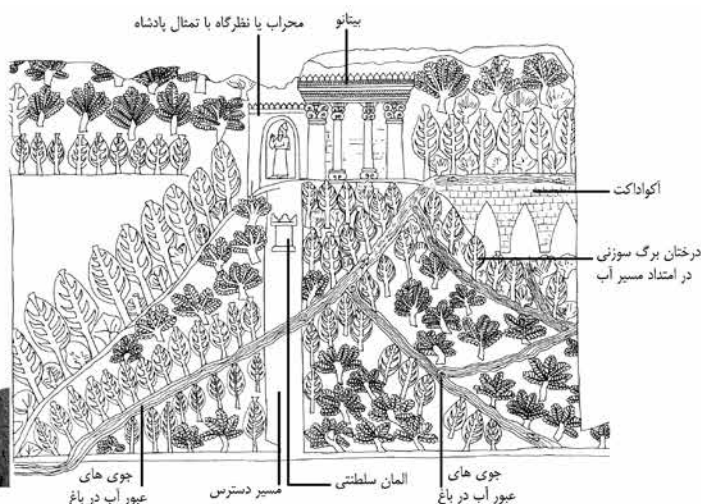
معیار موردنظر این پژوهش در گونه‌شناسی، مفهوم «کنترل» و «نمایش قدرت» است که مبتنی بر هستی‌شناسی آشوری با مداخله در منظر و به نظم کشیدن آن رخ می‌دهد و بدین ترتیب مدلی از جهان صغیر باغ نزد آشوریان نو پیشنهاد می‌کند. برای نیل به این هدف، گونه‌شناسی کارکردی باغ‌ها با معیار فاصله از مرکز (شهر = نظم) به سمت پیرامون (بیرون شهر = بی‌نظمی) تلفیق شده‌اند تا بتوانند شیوه اعمال «کنترل محیطی» را مبتنی بر میزان مداخله در منظر طبیعی در نگاهی طیف گونه تشریح و شیوه مواجهه آشوریان را مبتنی بر برنامه‌ریزی و طراحی (انسان‌ساخت بودن) به نمایش گذارد. بر این اساس باغ‌های آشوری را در دو گروه مکانی اصلی می‌توان بخش کرد که هر یک دارای ویژگی‌های مشترک و در عین حال تفاوت‌هایی هستند؛ الف) باغ‌ها و پارک‌های درون‌شهری و ب) باغ‌ها و پارک‌های حاشیه شهری.

الف) باغ‌ها و پارک‌های منظر درون‌شهری

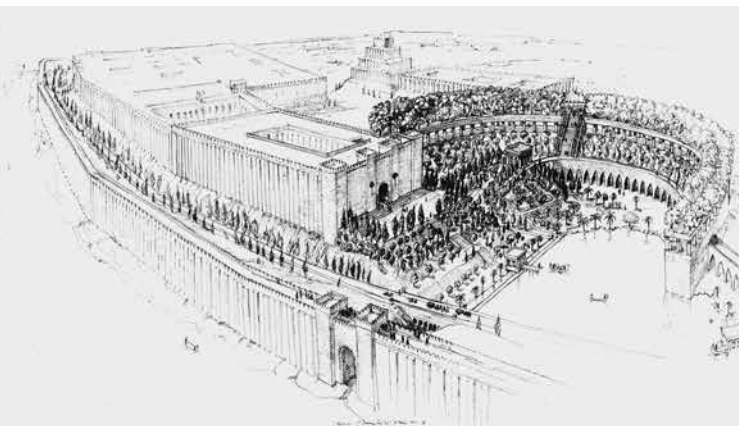
باغ‌های درون‌شهری بیشتر اوقات خصوصی‌اند و دسترسی به آنها محدود و معدود است. این باغ‌ها شامل باغ-حیاط‌های

طبقاتی همچون تئاتر» یادکرده‌اند؛ درختان جنگلی در تمام طبقات کاشته شده‌اند و آب از طریق آبگذری هوایی (آکواداکت) که با ترانس‌بندی‌ها یکپارچه شده‌اند، بدان انتقال می‌یافت (تصویر ۵). همچنین درختان گوناگون مناطق کوهستانی احتمالاً چون کاج و ارس^{۲۵} و دیگر درختان معطر نیز در آن کاشته شده بودند. پلویون تزئینی یا قصر کوچکی نیز در تصویر دیده می‌شود (Dalley, 1994: 51). چالش دیگر شیوه آب‌رسانی است. سناخریب شیوه نوآورانه آب‌رسانی به طبقات را شامل اتصال دو بخش برنزی یا مسی ریخته‌گری شده با قالب‌های گلی توصیف می‌کند که از به هم پیوستن آنها ابزار پیچی شکل برای بالا بردن آب حاصل می‌آمده که خود «عجایبی برای همه مردم» به شمار می‌رفت (Dalley, 1993: 9). البته وی از شیوه

انسان ساختی بوده که بر روی ترانس‌هایی از سنگ، قیر طبیعی و چوب همچون تئاتر یونانی بالا می‌آمدند و بر بالای آنها توده‌هایی از خاک قرار می‌گرفته و درختان می‌رویدند (Dalley, 1993, 1994). بدین ترتیب دالی (۱۹۹۴) مبتنی بر استدلال‌های باستان‌شناختی و اسناد نوشتاری معتقد است که اساساً سندی مبتنی بر کاشت گیاهان بر طبقات زیگورات‌ها وجود ندارد و نظریات وولی نادرست بوده است و لذا منظور از باغ معلق درواقع همان باغ شیب‌دار است. وی معتقد است که مجموعه شواهد باستان‌شناختی و اسناد یونانی برجای‌مانده اثبات می‌کنند که باغ‌های سناخریب که در نقش برجسته‌های قصر آشوربانی‌پال حک شده‌اند، همان باغ معلق معروف است که یونانیان^{۲۴} از آن به‌عنوان «منظر طبیعت‌گرایانه بالاآمده بر



تصویر ۴. نقش برجسته آشوربانی‌پال که نشان‌دهنده باغ سناخریب و آکواداکت آن در نینوا است که تفسیرهای متعددی از محتوای آن وجود دارد. مأخذ: Dalley, 1994: 10؛ Trustees of the British Museum.



تصویر ۵. بازنمایی باغ معلق سناخریب در نینوا راست: تری بال. مأخذ: Amrhein, 2015: 8 و چپ: استفانی دالی. مأخذ: Dalley, 1994: 57.

کار آن اطلاعی به دست نمی‌دهد.

● پارک‌های منظر درون‌شهری

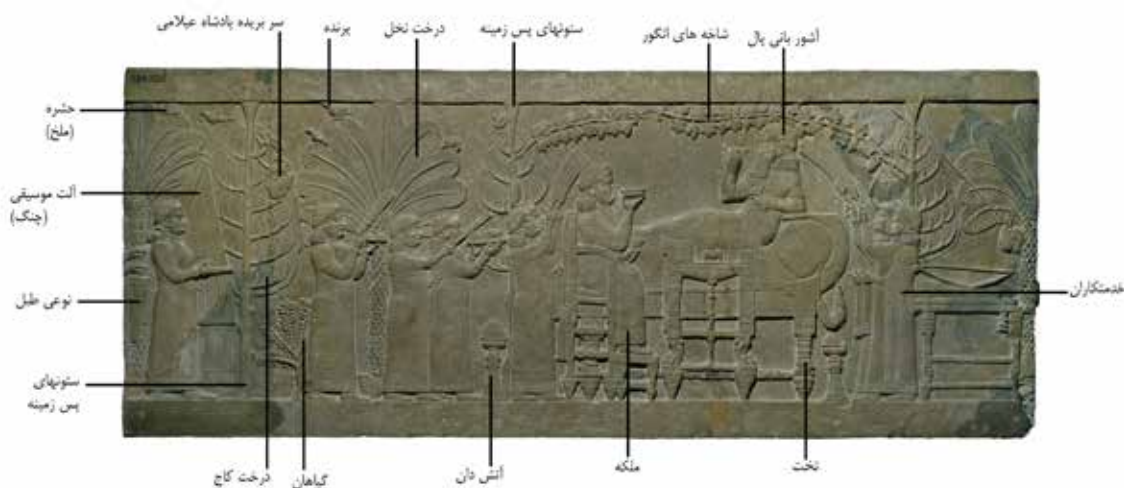
نقش برجسته‌ها و کتیبه‌های چندانی که بتوانند معرف پارک‌های منظر درون‌شهری باشند یافت نشده‌اند. چراکه چنین پارک‌هایی اغلب با انواع دیگر باغ‌های سلطنتی، پارک‌های شکار و یا بازی یکسان بودند. سناخریب به احداث پارکی «همچون کوه آمانوس» در نزدیکی قصر خود با انواع درختان میوه و معطر- همچون آنانی که در نواحی کوهستانی و در کلدی می‌رویند (Luckenbill, 1927: 160) - اشاره دارد. نظر بر این است که ملکه می‌توانسته در پیاده راه‌های آن وقت بگذراند. حضور دریاچه در پارک‌های سلطنتی به گواهی نقوش برجسته به زمان سارگون دوم بازمی‌گردد (Albenda, 1976).

(ب) باغ‌ها و پارک‌های منظر حاشیه شهری

● پارک - باغ‌های سلطنتی خصوصی

«ضیافت باغ» (تصویر ۶) نمونه نقوش برجسته معروفی از آخرین پادشاه قدرتمند آشوری یعنی آشور بانی‌پال در اتاق S1 در قصر شمالی (شهر نینوا) است. این نقش برجسته، بخش بالایی نقوشی است که به شکل طبقاتی در سه لایه بر بالای یکدیگر ترسیم شده‌اند و هر یک معرف گونه خاصی از منظر هستند که در ادامه بدان اشاره خواهد شد. این نقش برجسته پادشاه را بر تخت و در زیر آلاچیقی به همراه ملکه و ملازمان در ضیافتی نشان

می‌دهد. از این جهت به آن «باغ ملکه» (Collins, 2006: 103) نیز گفته‌اند. آنچه در این «باغ پرزرق و برق» غیرعادی است حضور درختان انگور است که پیچک‌های آن به چندین جهت رفته‌اند و پیرامون درختان مخروطی شکلی از احتمالاً خانواده کاج سپید چرخیده‌اند (Albenda, 1974: 10). پادشاه در این صحنه پس از چیرگی بر تمام قدرت‌های آشوب و بی‌نظمی به استراحت می‌پردازد (Dick, 2006: 256) و پرندگان، در حال پرواز و تغذیه جوجه‌هایشان‌اند و گل‌های به شکوفه نشسته و بوته‌ها نیز ساده‌سازی شده‌اند (Albenda, 1976); (Albenda, 1974, 1976). به نظر می‌رسد این باغ در حاشیه شهر نینوا بوده باشد (Collins, 2004: 3). گیاهان ترسیم‌شده در پیرامون زوج سلطنتی پیام‌های نمادینی دارند؛ درختان کاج، بومی آشور هستند که برخی مواقع برای متمایز کردن سرزمین آشور از دیگر سرزمین‌ها به کار می‌آمده‌اند^{۲۶} و نخل خرما نیز در آشور می‌روید با این حال از سرما یخ می‌زند و بار نمی‌دهند اما درخت خرما سمت راست آشور بانی‌پال میوه داده است. درختان خرما می‌ثمر داده در نقش برجسته‌هایی که قصد معرفی سرزمین عیلام یا بابل را دارند نیز دیده می‌شوند اما توضیحات حک شده، تردیدی بر مکان ضیافت برجای نمی‌گذارند. در کل این دو گونه گیاهی هارمونی و ظفرمندی جهان آشوریان را برای بینندگان به ارمغان می‌آورده‌اند (Ibid: 2,3).



تصویر ۶. ضیافت باغ در باغ سلطنتی آشور بانی‌پال در حومه نینوا. مأخذ: Trustees of the British Museum. ©

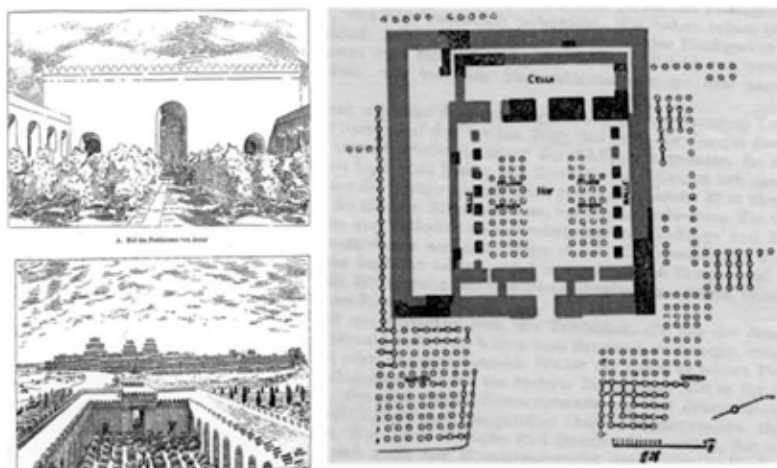
باغ‌های آیینی جشن (فستیوال)

«معبد فستیوال سال نو»^{۲۷} به دست سناخریب به همراه باغی ساخته شد که در خارج از حصار شهر سنتی آشور در میانه رودخانه فرات واقع بود. کاوش‌ها شامل کشف گودال‌های منظمی هستند که محل کاشت درختان یا

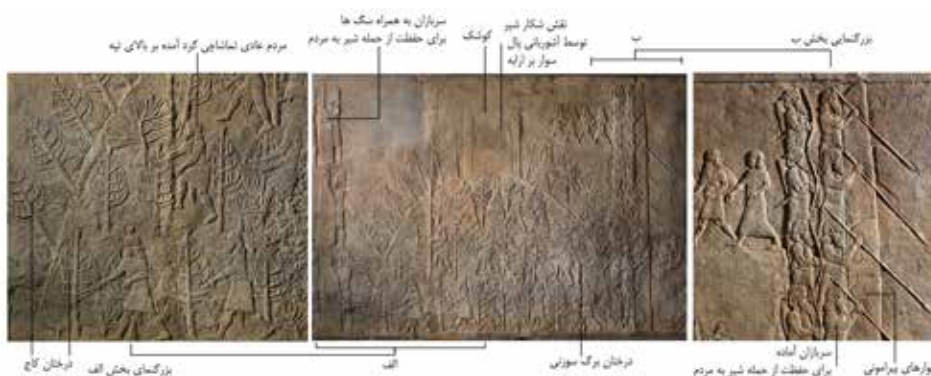
بوته‌ها در نظمی ردیفی بوده‌اند و در حیاط مرکزی مستطیل شکل معبد و در چهار سمت بیرون از آن به‌طور بسیار منظم و ردیفی کاشته شده بودند و پرستشگاهی را در میان باغ میوه نشان می‌دهد (تصویر ۷)؛ (Dalley, 1993: 6). سناخریب در سنگ‌نوشته‌ای آورده که «دو جوی آبیاری

جابه‌جایی درختان و کاشت موقتی آنها با توجه به شواهد باستان‌شناختی از حدود یک‌صد گودال - که در حیاط خانه فستیوال (بازسازی‌شده توسط سناخریب) بدون اتصال به لوله‌های آبیاری یافت شدند - نشان می‌دهند که درختان برای مراسم مذهبی جایجا می‌شدند؛ بدین ترتیب «انسان‌ساخت بودن» مقدم بر «طبیعی بودن» قرار می‌گرفت (Amrhein, 2015: 6, 11).

را در پیرامون آن حفر کردم و پیرامون آن را با باغی از درختان میوه و پرنعمت سا^{۲۸} گردآوردم؛ کاشتنی‌های پر بار را من در جوانب آن کاشتم» وی همچنین از «همه انواع گیاهان معطر گزینش‌شده» (Luckenbill, 1927: 184) در باغ یاد می‌کند. باغ فستیوال سال نو، باغ خصوصی خدایگان نبود بلکه برای مراسم آیینی به کار می‌رفت. از این جهت فضایی عمومی یا نیمه عمومی تلقی می‌شد.



تصویر ۷. پلان و پرسپکتیو بازنمایی شده از باغ و معبد فستیوال سال نو. مأخذ: Amrhein, 2015: 7.



تصویر ۸. پارک شکار آشور بانی‌پال. مأخذ: ©Trustees of the British Museum.

● پارک‌های شکار

آشوری نیازمند مکانی نیز برای این کار بود. شکار شیر در روزگار آشور بانی‌پال در باغی ویژه به نام «امبسو»^{۲۹} در پایین تپه‌ای مملو از شهروندان تماشاچی صورت می‌پذیرفت (تصویر ۸). نقش برجسته‌های اتاق c در کاخ شمالی در نینوا و همچنین اتاق s شرحی از ماجرا روایت می‌کنند (Dick, 2006). وی علاقه فراوانی به ورزش شکار و تعقیب و گریز داشت (Walker, 1888: 100). در این نقش برجسته باغی از میان ستون‌های متعدد و متوالی دیده می‌شود و به ترتیب لشکرکشی به شهرهای عیلامی، چشم‌انداز منظر، اربابه شکار شیرها و پادشاه در حال شکار شیر به صورت پیاده

تیگلت پیلیسر یکم در کتیبه‌هایی به گردآوری گله‌هایی از اسب‌ها، گاوهای نر و الاغ‌های وحشی به‌عنوان غنیمت اشاره دارد. او همچنین به کنترل و تشکیل گله‌های گوزن، غزال و بز کوهی نیز اشاراتی کرده است (Dalley, 1993). به نظر می‌رسد در آن روزگار گردآوری جانوران غیربومی برای خلق «عالم صغیر» به نیابت از هستی به کار می‌رفت تا نشان‌دهنده کنترل و چیرگی پادشاه به نیابت از خدای آشور بر تمام سرزمین باشد و بدین‌سان «معنایی سیاسی» (Albenda, 2008: 11) نیز داشت. با این حال کارکرد آیینی و اجتماعی شکار در جامعه

دسته پارک‌ها برای به عقب راندن سیلاب نهر خوصر^{۳۲} شامل درختان سرو و سیسوی^{۳۳} (جگ یا شیشم) نی‌های بلندقامت و گیاهان باتلاقی بودند که به سرعت به مأمی برای پرندگان مهاجر، گرازهای وحشی و جانوران آبری تبدیل می‌شدند. چوب آنها نیز برای ساخت عمارت‌ها کافی بود (Wiseman, 1983: 138). بدین‌سان نقش ذخیره‌ای برای شکار آیینی نیز داشتند (Amrhein, 2015: 16).

بحث و مدل‌سازی یافته‌ها

تغییر در پارادایم طراحی باغ مبتنی بر دگرگونی در واژه باغ از «کیرو» به «کیریماهو» یعنی جانیشینی باغ‌های نمایشی (تفریح و لذت) بجای باغ‌های کارکردی (گیاه‌شناسی) در زمان سارگون دوم (اواخر قرن ۸ ق.م) روی داد. سنت طراحی باغ تا پیش از این دوره، فاقد سبک خاصی در کرت‌بندی بود اما از زمان سناخریب (اوایل قرن ۷ ق.م) به بعد دگرگونی در سنت‌های مرسوم رخ داد و عناصر نمایشی همچون دریاچه‌های مصنوعی، بیتانو و آکواداکت‌ها به باغ‌ها افزوده شدند و باغ‌های معلق و مطبق رونق یافتند. نقش برجسته‌های این دوره گونه‌های متنوع گیاهان، درختان و جانوران را با دقت و جزئیات فراوان بازنمایی کرده است. توجه سناخریب به جزئیات در زیبایی طبیعت مثال‌زدنی است که نشان از چیرگی آنان بر قلمروی

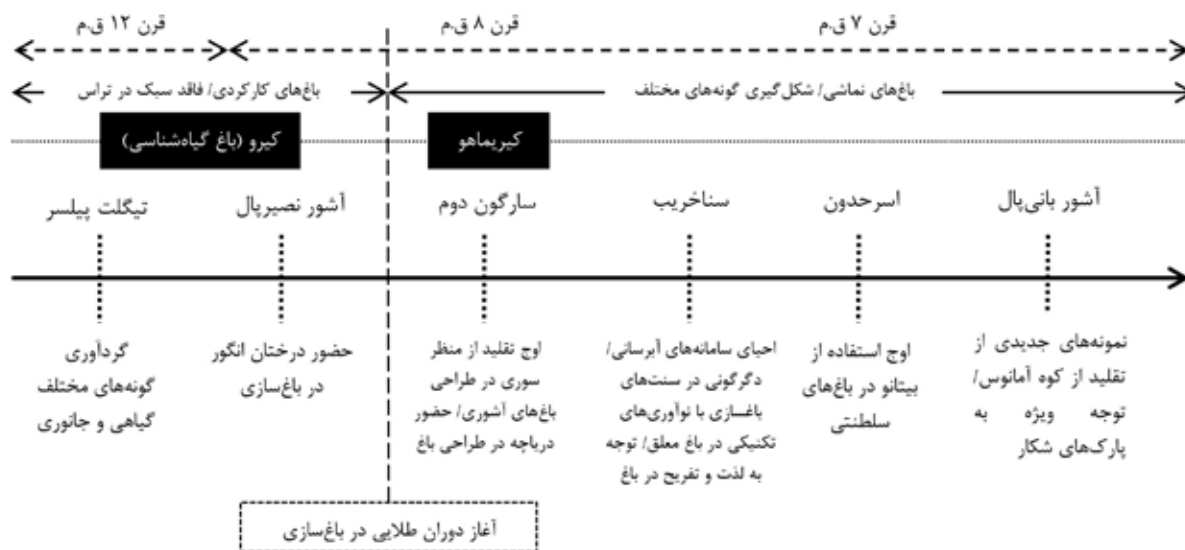
ترسیم‌شده‌اند. ردیفی از درختان کاج و در میان آنها درختان مشابه انار با بوته‌های کوتاه کاشته شده‌اند، درختان انار حدود دوسوم از تصویر را پوشانده‌اند (Albenda, 1976). به‌طور کلی حیوانات وحشی برای شکار در آمبسو نگه‌داشته می‌شدند که دارای درختان متعدد میوه، زیتون و گونه‌های خارجی نیز بود. این موارد در نقش برجسته‌های کاخ سناخریب به‌خوبی ترسیم‌شده‌اند. درواقع «باغ گیاه‌شناسی» با «پارک بازی» و مفاهیم آیینی یا دست‌کم فعالیت‌های تشریفاتی خلط شدند تا «شکار» بتواند محقق شود (Oppenheim, 1965: 332). به همین سبب پارک‌های شکار (آمبسو) درواقع «درامی آیینی» بودند که در آن پادشاه به شکار شیر و از طرف دیگر خدایگان به شکار گاو نر می‌رفتند و توفیق پادشاه در شکار به معنی تأیید آسمانی در حمایت از او شمرده می‌شد (Amrhein, 2015: 12). از آنجاکه هیچ‌یک از حیوانات وحشی یادشده بومی سرزمین اصلی آشور نبودند، لذا شکار آنان معنایی سیاسی نیز در پی داشت و نشانی از توفیق پادشاه در نبردهای نظامی نیز بود (Albenda, 2008: 75, 76).

● پارک‌های بازی

از نظر مقیاس پارک‌های بازی یا «آمبسی» هم‌اندازه پارک‌های شکار (آمبسو) بودند. نمونه قابل توجه آن در بیرون از دروازه آدد^{۳۱} در شمال نینوا است که در نزدیکی باغ سلطنتی واقع بود. این

جدول ۱. گونه‌شناسی باغ‌ها و پارک‌های آشوری. مأخذ: نگارنده براساس ادبیات پژوهش.

دسته	گونه	مکان‌یابی	دسترسی	ماهیت فضا	ابعاد	کارکرد اصلی	هندسه	نوع طراحی یا مداخله
الف) باغ‌ها و پارک‌های درون‌شهری	حیات - باغ‌های سلطنتی	درون شهر	محدود	کاملاً خصوصی	کوچک / متوسط	نمایشی - تفریحی	منظم / راست‌گوشه	طراحی
	باغ‌های معابد	درون شهر	محدود	نیمه خصوصی	متوسط	آیینی - مذهبی	منظم	طراحی / مبتنی بر نظم کاشت
ب) باغ‌ها و پارک‌های حاشیه شهری	باغ‌های معلق / مطبق	درون شهر	محدود	نیمه خصوصی	متوسط	نمایشی - تفریحی	طبقه‌ای / بالارونده	طراحی
	پارک‌های درون شهری	درون شهر	محدود	نیمه خصوصی	بزرگ	تفریحی - بوم‌شناختی	طبیعی	برنامه‌ریزی
ب) باغ‌ها و پارک‌های حاشیه شهری	پارک‌ها و باغ‌های سلطنتی خصوصی	حاشیه شهر	محدود	نیمه خصوصی	بزرگ	تفریحی - نمایشی	طبیعی	برنامه‌ریزی
	باغ‌های آیینی جشن (فستیوال)	حاشیه شهر	محدود	نیمه عمومی	بزرگ	آیینی - تشریفاتی	طبیعی	طراحی / مبتنی بر نظم کاشت
ب) باغ‌ها و پارک‌های حاشیه شهری	پارک‌های شکار	حاشیه شهر	محدود	نیمه عمومی	بزرگ	مذهبی - سیاسی	طبیعی	برنامه‌ریزی
	پارک‌های بازی	حاشیه شهر	محدود	نیمه عمومی	بزرگ	تفریحی - بوم‌شناختی	طبیعی	برنامه‌ریزی



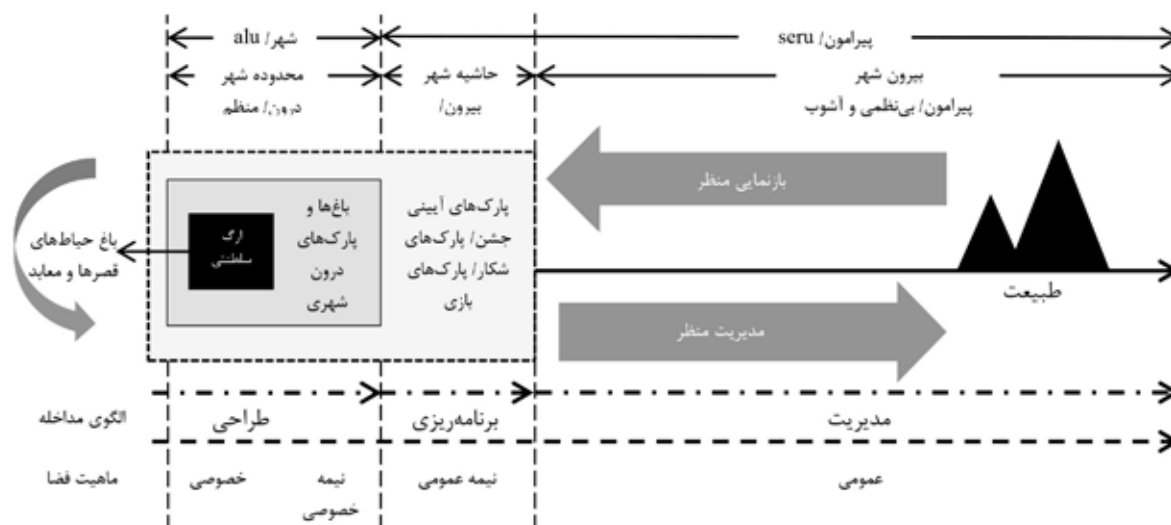
تصویر ۹. سیر تاریخی تحولات در باغ‌سازی آشوری. مأخذ: نگارنده براساس ادبیات پژوهش.

طراحی آزادانه (طبیعی) مبتنی بر «برنامه‌ریزی منظر» می‌داده است. این آزادی در طرح با درجه عمومی بودن فضا نیز مرتبط است به‌نحوی که هرچه کارکرد باغ‌ها و پارک‌ها غیر آیینی‌تر باشند، عمومی‌تر خواهند بود و این موضوع بافاصله از مرکز شهر تقریباً منطبق است. حیات-باغ‌های سلطنتی و باغ‌های معابد درون‌شهری، مبتنی بر الگوی منظم کاشت در هندسه‌ای راست‌گوشه طرح می‌شدند. باغ‌های معلق و مطبق، پارک-باغ‌های سلطنتی و باغ‌های جشن‌ها و مراسم آیینی نیز دارای طرح و الگوی کاشت بودند که هرچه بر وسعت آنان افزوده می‌شد و از ارزش مذهبی آنان کاسته می‌شد، بیشتر از خطوط تراز زمین و الزامات مکانی خود متأثر می‌شدند. پارک‌های شکار (امبسو) و بازی (امبسی) بیشتر مبتنی بر برنامه‌ریزی منظر طبیعی ایجاد می‌شدند تا طرح هندسی مشخصی را دنبال کنند. در این پارک‌ها، منافع اقتصادی و بوم‌شناختی در کنار اهداف سیاسی آشور نو دنبال می‌شد. بدین ترتیب جهان باغ آشوری در دوران طلایی اوج خود در قرن ۷ ق.م مبتنی بر هستی‌شناسی آنان و برای رفع نیازهای روزمره، آیینی، مذهبی، تشریفاتی، سیاسی و اقتصادی آنان شکل گرفتند. در پایان تأثیر متقابل باغ‌سازی آشوری بر باغ‌های عیلامی و مهم‌تر از آن نقش احتمالی آشوریان بر نظام باغ‌سازی هخامنشی موضوع بسیار مهم و مفصلی است که می‌تواند موضوع دیگر پژوهش‌ها باشد و نیازمند مطالعات نظری، تاریخی و میدانی وسیعی است که امید می‌رود در آینده به انجام رسد.

سیاسی و طبیعی پیرامون خود دارد (جدول ۱ و تصویر ۹). از سوی دیگر در هستی‌شناسی آشوری دو قطبی «نظم/بی‌نظمی» مبتنی بر «مرکز/پیرامون» تجلی می‌یافت. در این نگاه، شهر به سبب برخورداری از بالاترین حد کنترل محیطی به نمادی از نظم در مرکز بدل شد و طبیعت وحشی و منظر بکر، نمادی از آشوب و بی‌نظمی پیرامون شد. «منظر بیگانه» (کوه آمانوس و تنوع گیاهی و جانوری آن) با نگاهی داستان‌پردازانه، تخیلی و نمادین به الگویی بنیادین در بازنمایی بدل شد و نقش سیاسی، مذهبی و اجتماعی یافت تا معرف «جهان صغیر» آشوری و تسلط آن بر تمام قلمرو آشور باشد. این امر بر پارادایم زیبایی‌شناسی آشوریان تأثیرگذار بود و باغ را به عنوان «طبیعت بازتولید شده» مبتنی بر آراستگی کاشت و نظم آبیاری، شکل داد و شکار را به ابزاری برای تثبیت و تأیید چیرگی آنان بر «هستی‌شناخته‌شده» بدل کرد.

نتیجه‌گیری

مدل جهان باغ آشوری (تصویر ۱۰) طیفی از کارکردهای تفریحی-نمایشی تا آیینی-تشریفاتی و حتی بوم‌شناختی و اقتصادی را در بر می‌گیرد. گونه‌شناسی باغ و پارک آشوری پیشنهادشده در این نوشتار مبنی بر مکان-کارکرد (باغ‌ها و پارک‌های منظر درون‌شهری و باغ‌ها و پارک‌های منظر حاشیه شهر) نشان می‌دهد که با دور شدن از مرکز شهر و با کاهش ارزش آیینی و مذهبی آنها، طراحی هندسی و منظم جای خود را به



تصویر ۱۰. مدل جهان باغ آشوری مبتنی بر هستی‌شناسی دوقطبی. مأخذ: نگارنده براساس ادبیات پژوهش.

- ۳۰. Ambassi
- ۳۱. Adad
- ۳۲. Khosr
- ۳۳. Sissoo

پی‌نوشت‌ها

- ۱. Representation
- ۲. Re-Creation
- ۳. Triangulation
- ۴. Divine
- ۵. Profane
- ۶. Center
- ۷. Periphery
- ۸. Chaos
- ۹. Netherworld
- ۱۰. Kirimāhu
- ۱۱. Pleasure Garden
- ۱۲. Kirū
- ۱۳. Bitānu. در اصل (biton) واژه‌ای به عاریه گرفته‌شده از مردمان سامی در شکل اکدی آن است که متشکل از bit به معنی خانه و پسوند on به معنی خانه کوچک است.
- ۱۴. Bitan
- ۱۵. Bit Hilāni
- ۱۶. Nukaribbu
- ۱۷. Microcosm
- ۱۸. Amanus
- ۱۹. Aqueduct
- ۲۰. Bavian
- ۲۱. Barbara Nevling Porter
- ۲۲. Sir Leonard Woolley
- ۲۳. Kremastos
- ۲۴. مانند Diodorus Siculus
- ۲۵. Juniper. ارس به نام‌های هورتس، اُرس، ارسا، اریس، آرچا و اردوج نیز خوانده می‌شود، گونه‌ای سرو بسیار باارزش و دیر زیست که در مناطق کوهستانی و بیشتر در ارتفاعات بیش از ۲۵۰۰ متر می‌روید.
- ۲۶. سر بریده‌شده پادشاه عیلامی (Teuman) بر بالای همین درختان آویزان شده است و چیرگی آشوریان بر عیلامیان را نمادپردازی می‌کند.
- ۲۷. Bit-Akiti
- ۲۸. Sasa
- ۲۹. Ambassu

فهرست منابع

- Albenda, P. (1974). Grapevines in Ashurbanipal's Garden. *Bulletin of the American Schools of Oriental Research*, (215): 5-17.
- Albenda, P. (1976). Landscape Bas-Reliefs in the Bīt-Hilāni of Ashurbanipal. *Bulletin of the American Schools of Oriental Research*, (224): 49-72.
- Albenda, P. (2008). Assyrian Royal Hunts: Antlered and Horned Animals from Distant Lands. *Bulletin of the American Schools of Oriental Research*, (349): 61-78.
- Amrhein, A. (2015). Neo-Assyrian gardens: a spectrum of artificiality, sacrality and accessibility. *Studies in the History of Gardens & Designed Landscapes*, (35): 91-114.
- Carolyn, N. (2004). Dedicating Magic: Neo-Assyrian Apotropaic Figurines and the Protection of Assur. *World Archaeology*, 36, 11-25.
- Collins, P. (2004). The Symbolic Landscape Of Ashurbanipal. *Notes in the History of Art*, (23): 1-6.
- Collins, P. (2006). Trees and Gender in Assyrian Art. *Iraq*, (68): 99-107.
- Collins, P. (2009). An Ivory Fan Handle from Nimrud. *Metropolitan Museum Journal*, 44, 9-20.
- Dalley, S. (1991). Ancient Assyrian Textiles and the Origins of Carpet Design. *Iran*, (29): 117-135.

- Dalley, S. (1993). Ancient Mesopotamian Gardens and the Identification of the Hanging Gardens of Babylon Resolved. *Garden History*, (21): 1-13.
- Dalley, S. (1994). Nineveh, Babylon and the Hanging Gardens: Cuneiform and Classical Sources Reconciled. *Iraq*, (56): 45-58.
- Dick, M. B. (2006). The Neo-Assyrian Royal Lion Hunt and Yahweh's Answer to Job. *Journal of Biblical Literature*, (125): 243-270.
- Foster, K. P. (2004). The Hanging Gardens of Nineveh. *Iraq*, (66): 207-220.
- Gerardi, P. (1988). Epigraphs and Assyrian Palace Reliefs: The Development of the Epigraphic Text. *Journal of Cuneiform Studies*, (40): 1-35.
- Hunt, A. M. W. (2015). *Power and Prestige: The Neo-Assyrian Imperial Landscape. Palace Ware Across the Neo-Assyrian Imperial Landscape; Social Value and Semiotic Meaning*. Leiden: Brill.
- Jacoby, R. (1991). The Representation and Identification of Cities on Assyrian Reliefs. *Israel Exploration Journal*, (41): 112-131.
- Luckenbill, D. D. (1927). *Ancient records of assyria and babylonia*, The University of Chicago Press.
- Melville, S. C. (2016). The Role of Rituals in Warfare during the Neo-Assyrian Period. *Religion Compass*, (10): 219-229.
- Oppenheim, A. L. (1965). On Royal Gardens in Mesopotamia. *Journal of Near Eastern Studies*, (24): 328-333.
- Reade, J. (1978a). Studies in assyrian geography (suite). *Revue d'Assyriologie et d'archéologie orientale*, (72): 157-180.
- Reade, J. (1978b). Studies In Assyrian Geography: Part I : Sennacherib And The Waters Of Nineveh. *Revue d'Assyriologie et d'archéologie orientale*, (72): 47-72.
- Russell, J. M. (1998). The Program of the Palace of Assurnasirpal II at Nimrud: Issues in the Research and Presentation of Assyrian Art. *American Journal of Archaeology*, (102): 655-715.
- Stevenson, D. W. W. (1992). A Proposal for the Irrigation of the Hanging Gardens of Babylon. *Iraq*, (54): 35-55.
- Thomason, A. K. (2001). *Representations of the North Syrian Landscape in Neo-Assyrian Art*. Bulletin of the American Schools of Oriental Research, (323): 63-96.
- Thomason, A. K. (2016). The Sense-scapes of Neo-Assyrian Capital Cities: Royal Authority and Bodily Experience. *Cambridge Archaeological Journal*, (26): 243-264.
- Turner, T. (2017a). *The design of Assyrian parks and gardens* [Online]. Available: http://www.gardenvisit.com/history_theory/library_online_ebooks/ml_gothein_history_garden_art_design/hunting_assyrian_parks_gardens [Accessed 2/25/2017].
- Turner, T. (2017b). *Flowers in Assyrian gardens*. Available from: http://www.gardenvisit.com/history_theory/library_online_ebooks/ml_gothein_history_garden_art_design/flowers_assyrian_gardens Accessed 2/25/2017].
- Walker, D. A. (1888). The Assyrian King, Ašurbanipal. II. *The Old Testament Student*, (8): 96-101.
- Wilkinson, C. K. (1955). Assyrian and Persian Art. *The Metropolitan Museum of Art Bulletin*, (13): 213-224.
- Wiseman, D. J. (1983). Mesopotamian Gardens. *Anatolian Studies*, (33): 137-144.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

اسدیور، علی. ۱۳۹۷. پدیدارشناسی باغ در آثار و نقش برجسته‌های آشوری؛ مفاهیم و گونه‌ها. باغ نظر، ۱۵ (۶۰): ۶۲-۵۱.

DOI: 10.22034/bagh.2018.62765

URL: http://www.bagh-sj.com/article_62765.html

